

ریسک‌های سیاسی شرکت‌ها در تجارت خارجی و مسئولیت مدیران شرکت در ارتباط با آن

جابر دهقانی قنات غستانی^{*۱}

محمد رضا پاسبان^۲

چکیده

با توجه به گسترده‌گی ارتباط بشر با یکدیگر، تجار ناگزیر از انجام معاملات خود در سطح بین‌المللی شده‌اند. از آنجا که سطح پیشرفت تکنولوژی و منابع طبیعی در همه کشورها یکسان نمی‌باشد، ضرورت داد و ستد در عرصه جهانی در عصر حاضر بیش از پیش نمایان گشته است. تجارت بین‌الملل با توجه به اینکه مابین دو یا چند کشور با نظام‌های سیاسی و حقوقی متفاوتی می‌باشد دارای پیچیدگی‌های فراوان و به تبع آن مخاطرات تجاری بسیاری می‌باشد. از این مخاطرات در عرصه تجارت به عنوان «ریسک تجارت جهانی» یاد می‌گردد. این ریسک‌ها ناشی از عوامل متعددی می‌باشند. اختلافات سیاسی بین-المللی، تحریم‌های یک یا چند جانبه، جنگ و بسیاری موارد دیگر از جمله ریسک‌های تجارت جهانی می‌باشند. هدف از این پژوهش بررسی این موضوع می‌باشد در چنین شرایطی که ریسک‌های سیاسی بر تجارت جهانی اثر منفی دارند، مسئولیت مدیران چه می‌باشد که می‌توان نتیجه گرفت با توجه به اینکه ریسک‌های تجارت جهانی در مواردی در نقش قوه قاهره عمل نموده و هر قدر هم که مدیران در چارچوب وظایف و با حسن نیت، وظایف خویش را انجام دهند باز هم ممکن است ریسک‌های تجاری بر سودآوری شرکت تاثیر منفی بگذارد بنابراین مدیران در فرضی که با حسن نیت وظایف خویش را انجام داده و تمام جوانب لازم را سنجیده باشند از مسئولیت مبرا می‌باشند. ابزار گردآوری اطلاعات منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی، و روش پژوهش کیفی بر اساس توصیفی-تحلیلی می‌باشد.

واژگان کلیدی: تجارت بین‌الملل، ریسک سیاسی تجارت، مسئولیت مدیران، شرکت‌های تجاری

10.22034/ir.2024.442294.2506

۳۵۵

پژوهش‌های
روابط بین‌الملل

فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین‌الملل،

دوره سیزدهم،

شماره سوم، شماره

پیاپی پنجاهمین،

پاییز ۱۴۰۲

۱. دانشجوی دکتری گروه حقوق خصوصی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

* J_dehghani@atu.ac.ir

۲. استاد گروه حقوق خصوصی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۸/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۳/۱

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره سیزدهم، شماره پیاپی پنجاهمین، صص ۳۷۹-۳۵۵

جهانی شدن و یکپارچگی شبکه‌های تولید و تأمین جهانی باعث درهم تنیده شدن مسائل داخلی و خارجی و تشدید ضرورت همکاری‌های بین‌المللی در سطوح مختلف دوجانبه، منطقه‌ای و چندجانبه یا جهانی شده است. این امر، به ویژه پس از پایان جنگ سرد، باعث اولویت یافتن مسائل اقتصادی و تجاری و در نتیجه گسترش همکاری‌های بین‌المللی در این زمینه گشته است. تجارت جهانی مزیت‌های گسترده‌ای را برای کشورها، شرکت‌ها و اقتصاد جهانی خلق می‌کند. تجارت بین‌المللی نه تنها به توسعه اقتصادی و ایجاد ارتباطات بین کشورها کمک می‌کند، بلکه به افزایش تنوع و انتخاب‌های موجود برای مصرف‌کنندگان و کسب و کارها نیز منجر می‌شود. هم‌چنین این تجارت می‌تواند به انتقال فناوری، تبادل دانش، و تعاملات فرهنگی و اجتماعی بین کشورها کمک کند. تجارت جهانی می‌تواند به انتقال تکنولوژی و نوآوری بین کشورها کمک شایانی کند. انتقال تکنولوژی به کشورها در بهبود فناوری‌های محلی و افزایش قابلیت رقابتی نقش بسزایی ایفا می‌نماید. از این رهگذر هم‌چنین کشورها امکان می‌یابند منابع طبیعی و مواد اولیه خود را به کشورهای دیگر صادر و درآمدزایی کنند. از طرفی، کشورها می‌توانند به واردات منابعی که در داخل کشور ندارند، برای تأمین نیازهای داخلی خود روی آورند. تجارت بین‌المللی هرچند که مزایا و فرصت‌های بسیاری را برای اقتصادها و کشورها به همراه دارد، اما هم‌چنین با معایبی نیز همراه است. تغییرات نرخ ارز می‌تواند بر این حوزه تأثیر منفی بگذارد. نوسانات نرخ ارز ممکن است باعث عدم پیش‌بینی و نابسامانی در تبادل تجاری گردد. افزون بر آن، بی‌ثباتی در نرخ ارز بر برخی تجارت‌ها به دلیل تعیین قوانین و مقررات تجاری نامنصفانه به کشورها و شرکت‌ها آسیب غیر قابل جبران وارد می‌سازد. یکی از عوامل مهم بر تجارت جهانی ریسک‌های ناشی از آن می‌باشد. تمام روابط سیاسی و اجتماعی جهانی و اختلافات بین‌المللی، جنگ، بیماری‌ها، مخاطرات حمل بار و سایر موارد بر این نوع از تجارت سایه افکننده و هر لحظه امکان تبدیل فرصت سودآوری به تهدید زیان‌دهی وجود دارد. مصادیق ریسک در تجارت بین‌الملل حصری نمی‌باشند و بنا به طبع تجارت و منطقه جغرافیایی و کالای مورد تجارت و قوانین حاکم بر قرارداد متنوع می‌باشند. لکن اهم این

ریسک‌ها اختلافات سیاسی و مناقشات منطقه‌ای می‌باشد. تحریم‌ها نیز خود عامل موثر دیگری بر تجارت کشور تحریم شده می‌باشد. سوال اصلی تحقیق این می‌باشد که مدیران شرکت‌های تجاری در شرایط ریسک‌های سیاسی تجارت جهانی آیا در خصوص تصمیمات متخذه، مسئولیت دارند یا خیر؟ که فرضیه تحقیق این می‌باشد ریسک‌های سیاسی با وجود برخی از شرایط به مثابه قوه قاهره بوده و مدیران با حسن نیت در این شرایط که جهت انجام منافع شرکت و در راستای موضوع آن فعالیت کرده‌اند، از مسئولیت معاف می‌باشند. در پژوهش حاضر ابتدا به بررسی تجارت بین‌الملل و توضیح ریسک‌های تجاری می‌پردازیم و در ادامه مسئولیت مدیران مورد پژوهش قرار می‌گیرد.

۱. تجارت جهانی و روابط بین‌الملل

تجارت، بازرگانی یا داد و ستد، واگذاری مالکیت خدمات و کالا از نهاد (فروشنده) یا کسی به دیگری در برابر دریافت چیزی از خریدار است. روی هم رفته هرگونه کاری (که بتوان سنجید و اندازه گیری کرد) را که مردم در برابر کالا یا خدمتی، بهای آن را واگذار نموده و هر دو به هنگام این کار خوشنود و راضی باشند تجارت گفته میشود. تجارت دو بخش تجارت خارجی و داخلی را در بر می‌گیرد. در روال امروزی به داد و ستد کالاها یا خدمات، کار بازرگانی (تجارت) گفته می‌شود. برای بهتر داد و ستد کردن در زمان اندک نیاز به داده‌ها و آگاهی‌ها و سرپرستی کردن آن برای رسیدن به هدف است. بازرگانی سازوکاری است که هسته سرمایه‌داری را می‌سازد. (Beckwith, 2011.) تجارت بین‌الملل هنگامی اتفاق می‌افتد که یک کشور از مزیت نسبی در تولید کالا و یا خدمات خاص برخوردار است، به‌ویژه اگر هزینه تولید آن کالا یا خدمات برای آن کشور کمتر از هر کشور دیگری باشد. در این بین اگر کشوری ترجیح دهد تا با سایر کشورها تجارت نکند، خودکامه محسوب خواهد شد و از رشد و توسعه بازمی‌ماند. اگر مدل دو کشوری را در نظر بگیریم، هر دو کشور می‌توانند از تخصص و تجارت خویش سود ببرند. تخصص و تجارت به هر کشور این امکان را می‌دهد که محصولی را که دارای مزیت نسبی است تولید کرده و سپس تجارت کند. بنابراین، در تجارت خارجی، سود و منفعت امری **دوجانبه** محسوب شده که هر دو طرف معامله از آن بهره خواهند

برد. تجارت بین‌المللی مبادله سرمایه، کالا و خدمات در سراسر مرزها یا سرزمین‌های بین‌المللی است زیرا نیاز یا نیاز به کالا یا خدمات وجود دارد. تجارت بین‌الملل زمانی محقق می‌شود که کشورها موافقت کنند تا به کسب و کارشان اجازه دهند محصولات یا منابع را مبادله کنند، که به عنوان واردات و صادرات کالا نیز شناخته می‌شود. سپس کسب و کارها در یک کشور کالاها را به شرکت‌های دیگر کشورها خریداری (واردات یا صادرات) می‌کنند. همچنین، گاهی اوقات دولت یک کشور مستقیماً از دولت یک کشور دیگر خرید میکند یا به آنها می‌فروشد. (Siobhán, 2020: 4).

از طرف دیگر اثر رشد اقتصادی تجارت جهانی موضوع بحث‌های زیادی در میان پژوهشگران دانشگاهی و دست‌اندرکاران تجارت، به ویژه در کشورهای در حال توسعه بوده است. باور عمومی بر این است که باز بودن تجارت باعث ایجاد فضای مطلوب منجر به تولید محصولات با کیفیت می‌شود که به توسعه اقتصادی کمک می‌کند. بنابراین تجارت بین‌الملل منبع مهمی برای رشد اقتصادی در سراسر جهان محسوب می‌شود. در حالی که جریان‌های تجارت بین‌المللی اغلب بی‌ثبات بوده و مستعد موانع تجاری مکرر هستند، بسیاری از کشورها همچنان به دنبال تجارت بین‌المللی هستند، زیرا اثرات خارجی مطلوب و بزرگ مرتبط با تجارت دارند. موقعیت تجارت به عنوان محرک رشد اقتصادی به سرعت در حال تبدیل شدن به موضوعی حیاتی است. بنابراین، تجارت خارجی در این منابع برای تکمیل صنایع تبدیلی محلی برای ارتقای رشد اقتصادی ضروری است (Asiedu, 2013).

تجارت جهانی ناشی از تعامل ملل و دولت‌ها با یکدیگر می‌باشد. اشخاص حقیقی و حقوقی تاجر ناگزیر از ارتباط با جهان برون می‌باشند و گاهی اوقات خود دولت‌ها که تصدی اقتصاد را بر عهده دارند چاره‌ای جز معاملات بین‌المللی برای رفع حوائج خود ندارند. بهره‌برداری مطلوب از فرصت‌های جهانی شدن، مستلزم وجود مجموعه گسترده‌ای از نهادها و زیرساخت‌های فیزیکی، حقوقی و اقتصادی است و دولت نقشی کلیدی در ایجاد این ساختارها و نهادها و در نتیجه ایجاد محیط مناسب برای بهره‌برداری از فرصت‌های جهانی شدن بر عهده دارد. دولت‌ها برای بهره‌برداری مطلوب از روند جهانی شدن، می‌توانند با اتخاذ سیاست‌های صحیح راه تحولات ساختاری را هموار

سازند و با ایجاد ظرفیت‌های اقتصادی جدید، شرایط مناسب برای بهره برداری از فرصت‌های جهانی شدن را فراهم آورند. سیاست دولت‌ها در زمینه‌های مختلف مانند قوانین تجاری، سرمایه‌گذاری خارجی و تنظیم فعالیت شرکت‌های فراملی بر سیر تکاملی جهانی شدن تاثیرگذار است و با توجه به اینکه دولت‌ها برای نفوذ در بازار جهانی و جلب سرمایه‌گذاری خارجی با یکدیگر به رقابت می‌پردازند. سیر تکاملی جهانی شدن وابسته به نتیجه این رقابت‌هاست. هم‌چنین؛ جایگاه و عملکرد کشورها در اقتصاد جهانی و میزان بهره‌مندی آن‌ها از روند جهانی شدن، به سیاست دولت‌های آنها بستگی دارد که از جمله این سیاست‌ها؛ توجه به قوانین تجاری، مالی، ارزی، بانکی، سرمایه‌گذاری خارجی، بیمه، کار، تنظیم رقابت، مدیریت شرکت‌ها، توسعه صنایع داخلی، بسط تکنولوژی، آموزش، بهداشت، خدمات اجتماعی می‌باشد.

با پیشرفت تجارت جهانی، سازمان‌های بین‌المللی نیز به یکی از بازیگران این عرصه تبدیل گردیدند. سازمان‌های بین‌المللی به تجمعی از دولت‌ها اطلاق می‌شود که براساس یک سند تاسیس (معاهده) تشکیل می‌شود و اعضای آن اهداف مشترکی را در چارچوب نهادها و کارگزاری‌های ویژه با فعالیت مستمر و مداوم دنبال می‌کنند که براساس تعریف فوق می‌توان ویژگی‌های سازمان‌های بین‌المللی را چنین بیان داشت:

الف. سازمان‌های بین‌المللی از اجتماع دولت‌ها تشکیل می‌شوند.

ب. سازمان‌های بین‌المللی بر اساس یک «سند تاسیس»^۱ ایجاد می‌گردند.

ج. اعضای سازمان اهداف مشترکی را دنبال می‌کنند.

د. فعالیت سازمان در چارچوب ارکان و کارگزاری‌های خاص صورت می‌گیرد.

ه. فعالیت سازمان مستمر و مداوم است. (موسی زاده، ۱۳۹۴: ۳۰-۲۹)

نقش سازمان‌های بین‌المللی در جهانی سازی و جهانی شدن تا حدودی محدود شدن حاکمیت ملی را در پی داشته است. واقعیت آن است که اقتدار دولت‌ها هر چه بیشتر تحت تاثیر عوامل متعددی چون انقلاب در ارتباطات و اطلاعات، تحولات تکنولوژی، شرکت‌های چند ملیتی، سازمان‌ها و سایر بازیگران غیر دولتی قرار گرفته و نتیجه آن شده است که کارکرد دولت‌ها به نحو قابل ملاحظه‌ای تغییر یابد. نقش آفرینی

^۱ Constituent reaty

انحصاری دولت‌ها در جامعه بین‌المللی پایان یافته و افراد، سازمان‌های بین‌المللی اعم از بین‌الدولی و غیر دولتی و شرکت‌های چند ملیتی بخش بزرگی از آن نقش را بر عهده گرفته‌اند. اقتصاد صنعتی زمانی محصور در مرزهای ملی و مبتنی بر خط تولید کارگاه‌ها و کارخانجات بزرگ بود در حالی که در دوران جدید ملی‌گرایی اقتصادی مانع راه تولید تلقی شده و مشارکت در تولید که از نظر جغرافیایی پراکنده و نامتمرکز است معمول گردیده است. (3: Bairoch and Kozul, 1996) هم‌چنین یکی از مشخصات جامعه بین‌المللی معاصر، وجود شمار زیادی از سازمان‌های بین‌المللی است به نحوی که تعداد این سازمان‌ها به بیش از ۱۴۰۰ سازمان بین‌الدولی و ۲۷۰۰۰ سازمان غیر دولتی تخمین زده شده است. (ابی صعب، ۱۳۷۳: ۳۵)

بنابراین کشورها به واسطه جریان‌های تجاری با یکدیگر در ارتباط هستند. زمانی که شوکی در یک کشور رخ می‌دهد، می‌تواند به کل شبکه گسترش یابد و به طور غیرمستقیم بر رابطه تجاری سایر کشورها تأثیر داشته باشد. به عبارت دیگر، بحران‌ها از طریق تغییر در متغیرهای نرخ ارز، صادرات، واردات و با تأثیرگذاری بر قیمت کالاها در سطح بین‌الملل به سایر بخشهای اقتصادی منتقل میشوند (Brave & Andrew, 2011: 87) بدین منظور، گسترش روابط تجاری و تعامل با سایر کشورها، به عنوان یک عامل مهم در تبیین جایگاه بین‌المللی در کشورها مطرح است. پس ضروری است کشورها نسبت به مهار و یا جلوگیری از پیامدهای منفی وقوع بحران‌های مالی اقدام نمایند تا بتوانند با این تحولات همسو شوند. در خصوص جنبه مثبت امر نیز نقش دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی قابل انکار نیست زیرا جهانی شدن با آزادی تجارت و رقابت گره خورده است. رقابت آزاد، منصفانه و متعادل و حذف موانع و رفتارهای انحصاری و تبعیض آمیز از جمله بسترها و زمینه‌های تجارت آزاد است که نقش اصلی در اجرا و بهره‌مندی از آن‌ها بر عهده اشخاص خصوصی اعم از حقیقی و حقوقی می‌باشد. رقابت آزاد خود زمینه ساز همگرایی جهانی است. همگرایی به معنای یکپارچه‌سازی بازارها و باز کردن آنها بر روی یکدیگر، حذف موانع تجارت آزاد و ایجاد بستر مناسب برای تشویق و ترغیب تجار و شرکت‌ها در بازار سایر کشورها می‌باشد. در اساسنامه سازمان تجارت جهانی "گسترش تولید و تجارت کالاها و خدمات ضمن فراهم

کردن امکانات استفاده بهینه از منابع جهان منطبق با هدف توسعه قابل دوام "بعنوان هدف سازمان قید شده است. در مقدمه معاهده رم نیز صریحا قید شده است که هدف معاهده تقویت همگرایی کشورهای عضو و ایجاد یک اتحاد اقتصادی و پولی و ایجاد ارز واحد و با ثبات می‌باشد. (شکوهی، ۱۳۸۱: ۳۹)

۲. ریسک‌های تجارت جهانی

کشورها همواره با تلاطم‌های اقتصادی و مالی مواجه هستند و این تلاطم‌ها در برهه‌های زمانی مشخص به بحران مالی تبدیل می‌شود. در واقع، بحران مالی فروپاشی بازارهای مالی است؛ شرایطی است که بازارهای مالی قادر نیستند وجوه را به کسانی انتقال دهند که دارای فرصت‌های بهره‌وری بالاتر در سرمایه‌گذاری باشند. بحران مالی که نتیجه عملکرد نامطلوب بازارهای مالی است به انقباض شدید در فعالیت‌های اقتصادی منجر می‌شود. (مشیری و نادعلی، ۱۳۹۲: ۲۹) با فروپاشی سیستم برتون وودز^۱ (۱۹۷۱) اقتصاد جهانی با بحران‌های مالی مکرری مواجه شده است. به عنوان نمونه در این زمینه می‌توان به دو بحران بزرگ جهان در شرق آسیا (۱۹۹۷) و (۲۰۰۷) امریکا اشاره کرد. بحران مالی شرق آسیا که در سال ۱۹۹۷ به وقوع پیوست به علت ضعف نهادهای نظارتی، شکنندگی شدید بازارهای مالی، عدم تعادل ساختاری در اقتصاد بعضی از کشورهای منطقه و تحرک بیش از حد سرمایه‌گذاری در بخش غیرمولد به وجود آمد. پس از آن، بحران مالی سال ۲۰۰۷ به وقوع پیوست که ابتدا از امریکا آغاز شد؛ سپس دامنه آن گسترش یافت و به بحران مالی جهانی تبدیل شد؛ به طوری که زیان‌های غیرقابل جبرانی به اغلب کشورها وارد کرد و جهان از پیامدهای منفی این فاجعه متأثر شد.

علاوه بر مشکلات داخلی کشورها که تاثیر بر اقتصاد جهان دارد، عوامل بین‌المللی و منطقه‌ای نیز تجارت بین‌الملل را تحت تاثیر قرار می‌دهد و باعث ایجاد بحران‌ها و ریسک‌های تجاری می‌گردند که این موارد تمام اشخاص تاجر را تحت الشعاع قرار می‌دهد. ریسک‌های تجارت بین‌الملل غیر قابل احصا و شمارش می‌باشند و همواره بحران‌های جهانی بر اقتصاد بین‌الملل سایه افکننده و پیش‌بینی‌های تجارت جهانی را به هم می‌ریزد. بحران مالی یا بحران اقتصادی به طیف گسترده‌ای از وضعیت‌هایی گفته می‌شود

^۱ Berton Woods

که بعضی از منابع مالی قسمت بزرگی از ارزش اسمی خود را از دست می‌دهند. بسیاری از بحران‌های مالی مربوط به بحران‌های بانکداری می‌شدند و بسیاری از بحران‌های اقتصادی با این بحران‌ها همزمان بودند. دیگر وضعیت‌هایی که بحران مالی نامیده می‌شوند، شامل سقوط بازار سهام، ترکیدن حباب‌های اقتصادی و بحران واحد پولی هستند. هم چنین بحران‌های جهانی هم از جمله تغییرات اقلیمی و آب و هوایی، آلودگی‌ها و سایر موارد تاثیرگذار می‌باشند.

۱-۲. تحریم‌های یک یا چندجانبه

تحریم به مجموعه اقداماتی اطلاق می‌شود که به منظور ایجاد تغییرات مطلوب در رفتار یک دولت، توسط دولت دیگر به مورد اجرا گذاشته می‌شوند که شامل عمل هماهنگ به وسیله گروهی است که متضمن امتناع از داشتن روابط تجاری یا هرگونه رابطه‌ای با شخص یا گروه دیگر با هدف مجازات و یا جبران زیان‌ها باشد تحریم، تدابیر قهرآمیزی است که توسط کشور یا گروهی از کشورها، علیه کشوری که به قوانین بین‌المللی تجاوز کرده یا از معیارهای اخلاقی مقبول تخطی کرده باشد، اعمال می‌شود. هدف تحریم کننده آن است که کشور متخلف را مجبور کند تا دست از اعمال خود بردارد یا حداقل برای پایان دادن به رفتار غیرقابل قبول خود، پشت میز مذاکره بنشیند (Baltaji, 1975: 76) گرچه تحریم‌ها و محاصره اقتصادی بیشتر به سیاست جهان معاصر مربوط است، اما استفاده از این شیوه در تاریخ سابقه طولانی دارد. شاید اولین مورد مستند، به فرمان مگارین^۱ در عصر یونان باستان باز گردد که در سال ۴۳۲ قبل از میلاد صادر شد. تحریم در روابط بین‌الملل ابتدا جنبه خصوصی و یکپارچگی افرادی را توصیف می‌کرد که تصمیم داشتند به منظور وادار کردن کشور خارجی یا اتباعش به انجام رفتار معین، روابطی با افراد دارای ملیت خارجی نداشته باشند. این اصطلاح بعدها گسترش پیدا کرد، به طوری که شروع چنین اقداماتی از سوی یک کشور را نیز در بر گرفت. قطع روابط مالی و اقتصادی با کشورهای دیگر و اتباعشان، ممکن است توسط یک کشور با چندین کشور که مشترکا عمل می‌کنند، به عنوان یک نوع فشار اقتصادی ستیزه جویانه، هم در زمان جنگ و یا صلح انجام گیرد (بوستانی، ۱۳۹۲: ۴۴) شورای امنیت براساس ماده ۳۹

^۱ Ferman megarin

فصل هفتم منشور، هر زمان که به این نتیجه برسد که صلح تهدید یا نقض شده است، به تحریم مبادرت می‌کند. اگرچه این ماده صرفاً در مورد تحریم‌های اقتصادی است، اما چارچوب کارکرد آن در عمل بسیار گسترده است. علاوه بر تدابیر اقتصادی از قبیل ممنوعیت واردات و صادرات با مسدود کردن و توقف دارایی‌های نقدی، تحریم می‌تواند برقراری محدودیت یا متوقف کردن ارتباطات یا مبادلات دانشگاهی و مراودات ورزشی و نیز قطع مناسبات دیپلماتیک و سیاسی را نیز شامل شود. شورای امنیت در ۴۵ سال اول عمر خود یعنی تا ۱۹۹۰ تنها دو کشور زیمبابوه و آفریقای جنوبی را تحریم کرد. مسائلی چون اجماع نرسیدن شورای امنیت و همچنین حق و تو در مواردی مانع از اعمال تحریمها میشد. تحریم‌های بین‌المللی مستلزم صدور قطعنامه سازمان ملل است، اما تحریم‌های یکجانبه و چندجانبه مستلزم قطعنامه شورای امنیت نیست و توافق کشورها زمینه تحریم را فراهم میکند. پس از پایان جنگ سرد نیز شورای امنیت تا حدود زیادی ساز و کارهای تحریم را فعال کرده و از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۱، ۱۷ کشور را مورد تحریم قرار داده است. شورای امنیت در اولین اجلاس سران کشورهای عضو پس از فروپاشی شوروی، در یک بیانیه مشترک در ۱۹۹۲ اعلام کرد: نبود جنگ و مناقشات مسلحانه در میان کشورهای عضو، فی نفسه صلح و امنیت بین‌المللی را تضمین نمی‌کند. عوامل غیرنظامی چون بی‌ثباتی اقتصادی و اجتماعی و مسائل حقوق بشر و محیط زیست نیز صلح و امنیت را تهدید می‌کنند. اعضای سازمان ملل به طور کلی می‌بایست برای حل اینگونه مسائل، اولویت قائل شوند. مجازات‌های بین‌المللی ابزاری برای نفوذ در رفتار دولت یا گروه هدف است که رفتارش مورد قبول جامعه بین‌المللی نیست. در طبقه‌بندی کنش دولت‌ها، مجازات‌ها به طور سنتی در منطقه خاکستری، بین دیپلماسی و جنگ قرار می‌گیرند. زمانی که همه گزینه‌های دیپلماتیک دیگر در تعدیل رفتار دولت یا گروه هدف بی‌نتیجه ماند، مجازات‌های بین‌المللی به عنوان آخرین گام قبل از اقدام نظامی مطرح می‌شوند. (رضائی، ۱۳۸۹: ۱۱۴)

تحریم‌ها صرف از نظر از موفقیت و شکست در دستیابی به هدف غایی، بر بخشهای مختلف اقتصادی همچون تجارت، سرمایه‌گذاری، اشتغال و رشد اقتصادی تاثیرگذار هستند. بنابراین، برای سیاستگذاری‌های دقیق در این حوزه‌ها لازم است در کنار

کانال‌های اثرگذاری، میزان اثرگذاری تحریم بر این بخش‌ها براساس مدل‌های کمی تا حد امکان مورد ارزیابی قرار گیرد. لذا تاثیرپذیری بخش‌های تجارت، سرمایه‌گذاری، اشتغال و رشد اقتصادی از تحریم‌ها انکارناپذیر است.

تحریم اقتصادی را می‌توان به عنوان ابزاری در دست بازیگران یا سازمان‌های بین‌المللی به منظور تحت فشار قرار دادن کشورهای غیر همسو و یا کشورهایی که از نگاه آنها ناقض اصول و مبانی بین‌المللی باشند، تعریف نمود (Daoudi and Dajani, 1983: 85) در اکثر تعاریف ارائه شده برای تحریم اقتصادی، ایجاد مکانیسمی برای همسو ساختن کشورهای هدف با خواسته‌های کشورهای اعمال کننده مطرح بوده است (Miyagawa, 1992: 75) در برخی از مطالعات بیان شده است که تحریم اقتصادی در واقع با هدف سیاسی اعمال می‌گردد به گونه‌ای که کشورهای اعمال کننده از برخی منافع تجاری و اقتصادی خود برای دستیابی به اهداف سیاسی چشم پوشی می‌کنند. پژوهشگران عموماً بین تحریم‌های اقتصادی مثبت و منفی تفاوت قائل می‌شوند. تحریم‌های اقتصادی منفی به عنوان ابزاری اقتصادی شناخته شده در سیاست خارجی می‌باشد. این تحریم‌ها با هدف اعمال فشار اقتصادی بر کشورهای هدف تحریم اعمال می‌شوند. تحریم‌های اقتصادی مثبت با هدف گسترش همکاری‌های بین کشورها اعمال می‌گردد. در یک چارچوب دیگر تحریم اقتصادی را می‌توان از منظر تعداد کشورهای تحریم کننده بررسی نمود. بر این اساس تحریم اقتصادی به دو قسمت تحریم‌های یکجانبه و چند جانبه قابل تقسیم می‌باشند.

۲-۲. جنگ

طی چند سده اخیر، تاریخ روابط بین‌الملل، در عین حال که دربرگیرنده گرایش گسترده به صلح و امنیت، همکاری و همزیستی مسالمت‌آمیز بوده، با نزاعها و جنگهای خونین بسیاری همراه بوده است و جنگ جهانی اول و دوم نمودهای بارزی از این قضیه‌اند. جنگ و اقتصاد یک رابطه متقابل دارند و هر کدام بر دیگری تاثیرگذار است. این مهم در مکاتب اقتصادی نیز تحلیل شده است که به دو نوع آن اشاره می‌گردد. از منظر مکتب رئالیست، در عرصه روابط بین‌الملل، اقتصاد تحت الشعاع سیاست و به نوعی در خدمت سیاست قرار دارد و بین دولتها رقابت حادی بر سر قدرت جریان دارد که رقابت‌های

اقتصادی نیز مؤلفه‌ای نیز از همین جریان کشاکش قدرت است. اینکه کشاکش قدرت چگونه به جنگ منجر می‌شود، پرسشی با پاسخ‌های متفاوت است. برخی رئالیست‌ها بر هم خوردن توازن قدرت را مقدمه جنگ می‌دانند، برخی افول قدرت هژمونیک را و برخی دیگر ممکن است نظریه‌های متفاوتی داشته باشند. مسلم آن است که تعاملات اقتصادی آزاد نمی‌تواند مانع جنگ شود حتی با توجه به اینکه رقابت اقتصادی مؤلفه‌ای از رقابت بر سر قدرت است و ممکن است در تغییر موقعیت نسبی قدرت دولت‌ها نقش مهمی داشته باشد، امکان دارد به رویارویی‌های سیاسی، نظامی و پشتیبانی و جنگ بین دولت‌ها منجر شود (Sen 2003: 113).

مارکسیست‌ها عمدتاً برآنند که تضادهای طبقاتی زمینه‌ساز نزاع و جنگ‌اند. در سطح داخلی، شکاف بین سرمایه‌داران و طبقه کارگر نهایتاً به برخورد خشونت‌بار دو طرف و به انقلاب کارگری می‌انجامد. به نظر برخی مارکسیست‌ها، اگر در عمل چنین برخوردهایی رخ نداده، به این علت است که طبقه سرمایه‌دار، به نحوی، رضایت طبقه کارگر را جلب کرده و مانع از بروز خشونت شده است. در سطح جهانی نیز، رقابت قدرتهای سرمایه‌داری زمینه ساز جنگ است. قدرتهای سرمایه‌داری به عللی چون مصرف ناکافی یا فشار سرمایه برای یافتن فرصت سرمایه گذاری، به تحرکات امپریالیستی در خارج کشیده می‌شوند. رقابت قدرتهای امپریالیستی در عرصه بین‌المللی زمینه ساز برخوردهای خشونت‌بار و جنگ میان آنها می‌شود. اینکه آیا خشونت و جنگ محصول اجتناب ناپذیر توسعه سرمایه‌داری است یا نتیجه برخی انحرافات در نظام سرمایه‌داری، پرسشی با پاسخهای گوناگون است. برخی برآنند که سرمایه‌داری ذاتاً مستعد انحصارگرایی و رقابتهای خشونت‌بار است و راه دیگری وجود ندارد. اما به نظر برخی دیگر، سرمایه‌داری شکل ثابت و انعطاف ناپذیری ندارد و می‌تواند با برخی اصلاحات ساختاری ادامه حیات خود را تضمین کند. (Wallerstein, 2004: 41-44)

با توجه به دیدگاههای بالا، تاثیر جنگ و تجارت بر یکدیگر انکارناپذیر می‌باشد و این موضوع بیشترین لطمه را به تجارت بین‌المللی می‌زند علی‌الخصوص زمانی که یکی از طرفین تجارت از دولت‌های درگیر جنگ باشد. جنگ بر تمام جنبه‌های تجارت تاثیرگذار بوده و امر تولید، حمل و نقل کالاها و بسیاری موارد دیگر را شامل می‌شود.

۲-۳. ریسک نرخ ارز

ریسک نرخ ارز که عموماً با نام ریسک نرخ مبادله ارز هم شناخته می‌شود، ناشی از تغییر در قیمت یک ارز نسبت به ارز دیگر است. سرمایه‌گذاران یا شرکت‌هایی که دارایی‌ها یا عملیات تجاری بین‌المللی دارند، در معرض ریسک نرخ ارز هستند که ممکن است برای آن‌ها سود یا ضرر پیش‌بینی نشده ایجاد کند. به عبارت دیگر ریسک نرخ ارز گونه‌ای از ریسک مالی است، که در اثر خرید اوراق بهاداری که با نرخ ارز متفاوتی منتشر شده‌اند، به وجود می‌آید. احتمال این ریسک وقتی بیش‌تر می‌شود، که سرمایه‌گذار، دارایی‌هایی را در کشورهای مختلف خریداری نمایند. برای مثال یک سرمایه‌گذار آمریکایی که سهام منتشر شده‌ای را در ژاپن خریداری می‌کند، علاوه بر قبول ریسک ناشی از تغییر نرخ ین، ریسک حاصل از هرگونه تغییر در برابری ین با دلار را نیز پذیرفته است. هر چقدر نرخ ارز بین دو کشور نوسان‌پذیرتر باشد، ریسک نرخ ارز آن، بیش‌تر خواهد بود. مدیریت ریسک نرخ ارز از دهه‌ی ۱۹۹۰ بخاطر بحران آمریکای لاتین در سال ۱۹۹۴ اهمیت پیدا کرد چرا که در این زمان بسیاری از کشورهای این منطقه دارای بدهی خارجی بودند که بیش‌تر از درآمد و توانایی بازپرداخت آن‌ها شده بود. بحران ارزی آسیایی در سال ۱۹۹۷، که با سقوط بات تایلند (ارز کشور پادشاهی تایلند) آغاز شد، باعث شد ریسک نرخ مبادله ارز در سال‌های پس از آن کانون توجه باشد. عدم همبستگی کامل بین بازدهی سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی عموماً به دو دلیل اتفاق می‌افتد. اول اینکه تکنولوژی‌های پایه اقتصاد هر کشور و در نتیجه شرکت‌های موجود در آن متفاوت می‌باشد به عنوان مثال اقتصاد یک کشور ممکن است بر پایه کشاورزی باشد و در حالی که کشور دیگر اقتصاد صنعت محور داشته باشد. به دلیل وجود زیرساخت‌های متفاوت اقتصادی در کشورها، ممکن است یک کشور در حال رونق باشد در حالی که دیگری در رکود به سر می‌برد. به طور مثال در اوایل دهه ۲۰۰۰، اقتصاد ایالات متحده به سرعت در حال توسعه بود در حالی که اقتصاد اروپا در رکود بود. دلیل دوم این است که تغییرات نرخ ارز کشورها به طور کامل با همدیگر همبسته نیستند. این بدین معناست که ممکن است نرخ تبدیل دلار به یورو افزایش یابد در حالی که نرخ تبدیل دلار به ین کاهش می‌یابد. (فدایی واحد و عزیز، ۱۳۹۷: ۳۶)

۲-۴. سیاست‌های محدود کننده دولت‌ها در قبال بیماری‌های واگیردار

سیاست‌مداران در تصمیم‌گیری‌های خود ناگزیر از مد نظر قرار دادن شرایط عمومی کشور خود و جهان پیرامون می‌باشند. بهداشت جهانی همواره از مسایل مهم در حوزه تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اقتصادی می‌باشد. یکی از عوامل تهدیدکننده سلامتی انسان بیماری‌های عفونی واگیردار هستند. همه‌گیری‌های برخی از این بیماری‌ها (نظیر وبا و آنفلوآنزا) در قرن‌های گذشته خسارات سنگینی بر جامعه بشری وارد کرده است. به رغم پیشرفت‌های شگرف علم پزشکی در زمینه پیشگیری و درمان بیماری‌های واگیر، هنوز هم بیماری‌های عفونی یکی از مشکلات بهداشتی در سراسر جهان‌اند. این بیماری‌ها گاهی به سرعت بین تعداد زیادی از افراد شیوع پیدا می‌کنند و سبب مرگ و میر بالا می‌شوند. بیماری‌های واگیردار را اینگونه تعریف کرده‌اند: «آن دسته از بیماری‌ها ... که عامل عفونی بیماری‌ها را فرآورده‌های سمی آن بتواند به صورت مستقیم یا غیرمستقیم از انسانی به انسان دیگر و یا از حشرات و حیوانات به انسان قابل انتقال باشند.» (سالاری مقدم و همکاران ۱۳۹۹)

یک مصداق وقوع این نوع بیماری‌ها کرونا و ویروس است. کرونا به مثابه بزرگترین چالش بین‌المللی بشر از زمان جنگ جهانی دوم تاکنون بوده است. (صالحی امیری، ۱۳۹۹: ۲۴) پدیده‌ای چندبعدی است که آثار و پیامدهای آن در حوزه‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی و سیاسی و از همه مهم‌تر اقتصادی قابل رصد و رهگیری است (اسکندریان ۱۳۹۹: ۷۵). همان‌طور که اشاره شد قراردادهای به منزله مهمترین ابزار سرمایه‌گذاری و رونق اقتصادی از تأثیر سوء این بیماری مستثنی نبوده‌اند. کرونا و ویروس در حوزه قراردادهای به ویژه مرحله اجرای قرارداد تأثیر گذاشته و مشکلاتی را در این زمینه به وجود آورده است. به عبارتی، اکثر قراردادهایی که اجرای آن‌ها در این دوره بوده دچار اختلال شده‌اند؛ بدین صورت که شیوع گسترده کرونا و ویروس دولت‌ها را بر آن داشته که مقرراتی را در زمینه‌های مختلف تصویب کنند، از جمله محدودیت یا ممنوعیت در زمینه صادرات و واردات و تعطیلی کارخانه‌ها و مشاغل و کسب و کارها. این اقدامات سبب تغییرات شدید اقتصادی شد و روابط اقتصادی بین مردم را به شدت متأثر ساخت (قنواواتی ۱۳۹۹: ۱).

۳۶۷

پژوهش‌های بین‌المللی
روابط بین‌الملل

ریسک‌های
سیاسی شرکت‌ها
در تجارت خارجی و
مسئولیت‌مدیران
شرکت در ارتباط با
آن

۳. مسئولیت مدیران شرکتهای تجاری

در معنای عام مسئولیت مدنی تعهد و التزام شخص به جبران خسارت دیگری است و هرگاه شخصی ناگزیر به جبران خسارت دیگری باشد گویند در برابر او مسئولیت مدنی دارد. در انگلستان مسئولیت مدنی، یک مسئولیت بالقوه و متمایز با مسئولیت جزایی است که در صورت طرح دعوی آن در دادگاه، شخص، مسئول پرداخت خسارت یا آن چیزی است که دادگاه تعیین می‌کند، می‌باشد. همچنین مسئولیت مدنی، تعهدات قانونی ناشی از اشتباهات خصوصی (شبه جرم) و یا نقض قرارداد است که یک عمل مجرمانه است و بیمه مسئولیت مدنی تنها بدهی را پوشش می‌دهد. در واقع مسئولیت مدنی یک خطای مدنی است که بیشتر علیه اشخاص (اعم از اشخاص حقیقی یا حقوقی نظیر شرکتها) مطرح می‌شود و کمتر علیه دولت‌ها رخ می‌دهد. خلاصه آن که حقوق مسئولیت مدنی عبارت است از حقوق و منافع مردم که توسط قانون مورد حمایت واقع شده است. مدیران به عنوان نمایندگان اشخاص حقوقی شناخته می‌شوند و وظیفه تصمیم‌گیری بر عهده آنان است و مسئولیت این تصمیمات نیز بر عهده آنان بار می‌گردد.

۳-۱. مدیران

در تمامی فعالیت‌های تجاری مدیران یکی از مهم‌ترین ارکان فعالیت هستند، این موضوع در رابطه با شرکت‌های تجاری نیز صادق است. در هر شرکت تجاری مدیر یا مدیرانی وجود دارد که هر یک بر اساس قوانین اساسنامه شرکت و اصول و قوانین و مقررات، وظایفی دارند. ولی لازم به ذکر است که تمام مدیران چه در شرکت‌های تجاری چه در تمامی فعالیت‌های تجاری یکسری حقوقی نسبت به شرکت و یا واحد مذکور دارند که باید رعایت کنند. اگر از دیدگاه شخص سوم به اصل مدیریت نگاه کنیم، مدیر یا مدیران شرکت جزئی از اندام شخص حقوقی بوده و اعمال حقوقی و مادی آنان، اعمال حقوقی و مادی شرکت فرض می‌شود، ولی این موضوع به نوبه خود یک ویژگی منحصر به فرد تجاری محسوب نمی‌گردد که بتوان شخصیت حقوقی مدیر یا مدیران شرکت را نادیده گرفته و رابطه حقوقی آنان را با شرکت یا با شرکا به فراموشی سپرد.

در خصوص رابطه مدیر و شرکت نظریات متفاوتی وجود دارد و از تجزیه و تحلیل ماهیت حقوقی رابطه مدیران شرکت با شرکت چنین نتیجه می‌گیریم که هیچ یک از

نظریه‌های وکالت (مدیران به عنوان وکیل سهامداران یا مدیران به عنوان وکیل شرکت)، نمایندگی قانونی مدیران و مدیران به عنوان کارگران شرکت قابل قبول نیست. نظری که بر مبنای آن می‌توان رابطه مدیران شرکت سهامی را با شرکت توجیه کرد نظریه «رکن بودن مدیران» شرکت است. حکم ماده ۵۸۹ قانون تجارت و ماده ۱۷ ل.ا.ق.ت. مؤید این نظر است. به موجب ماده اخیر، پیش از تعیین مدیران و قبول سمت از سوی آنان شرکت تشکیل نمی‌گردد. در نتیجه مدیران را که پیش از ایجاد شرکت تجاری (شخص حقوقی) تعیین می‌شوند نمی‌توان وکیل یا نماینده شرکت تجاری (که هنوز به وجود نیامده) دانست، زیرا وکیل یا نماینده بدون وجود اصیل متصور نیست. به بیان دیگر، وجود اصیل مقدم بر وجود وکیل یا نماینده می‌باشد. این نظریه دارای آثار مهمی می‌باشد که در ذیل بدان اشاره می‌گردد:

الف. اقتدار ارکان اداره شرکت مستقیماً از قانون است نه قرارداد.

ب. وظایف و اختیارات هیأت مدیره همان تکالیف و حقوق شرکت است.

ج. مدیر عامل شرکت وکیل شرکت است نه وکیل هیأت مدیره.

د. مدیران می‌توانند اموری را که وکالت پذیر نیست، انجام دهند.

ه. برای شرکت‌های تجاری می‌توان در قبال اعمال زیان بار مدیران و ارتکاب برخی جرایم توسط آنان مسئولیت مدنی و کیفری فرض کرد.

واژه مدیر مطلق می‌باشد و در شرکت به اشخاص مختلف، واژه مدیر اطلاق می‌گردد که هر کدام وظایف و مسئولیت متناظر با وظیفه خود را دارا می‌باشند که در ذیل بدان اشاره می‌گردد.

الف: هیأت مدیره^۱

در شرکتهای تجاری و به طور ویژه شرکتهای سهامی، هیأت مدیره مهم‌ترین نهاد تصمیم‌گیرنده و مدیریتی شرکت محسوب می‌گردد. هیأت مدیره متشکل از اشخاصی می‌باشد که به وسیله صاحبان سهام منطبق با اساس‌نامه شرکت انتخاب می‌شوند. هم‌چنین هیأت مدیره وظیفه راهبری و سیاست‌گذاری امورات شرکت را بر عهده می‌گیرد و مدیر عامل را انتخاب می‌نماید. (ماده ۱۰۷ لایحه اصلاحی قانون تجارت).

^۱ Board of Directors

ب: مدیر عامل^۱

قانون‌گذار در ماده ۱۲۵ لایحه اصلاحی قانون تجارت مدیر عامل را فردی توصیف می‌کند که از طرف هیأت مدیره انتخاب می‌گردد و در حدود وظایفی که توسط هیأت مدیره به ایشان تفویض می‌گردد نماینده شرکت محسوب می‌گردد و از طرف شرکت دارای حق امضا می‌باشد.

ج: مدیر کل^۲

مدیر کل واژه‌ای است که در سازمانهای دولتی مصطلح است و منظور فردی است که مسئولیت مدیریت یک اداره یا دفتر کل را بر عهده دارد. بند ۵ ماده ۲۳ قانون دیوان محاسبات شامل این دسته از مدیران نیز می‌گردد.

د: مدیر امور مالی^۳

مدیر امور مالی فردی است که مدیریت مالی شرکت یا موسسه را بر عهده دارد و اموری مانند ساماندهی، برنامه‌ریزی و کنترل امور مالی از وظایف ایشان است.

ه: مدیر تولید^۴

مدیر تولید از جمله مدیران میانی شرکت محسوب می‌گردد و با توجه به اینکه، وظیفه ایشان سرپرستی و مدیریت بخش تولید یک مجموعه است در امورات حقوقی نقشی ندارد لکن با ابتکار عمل خویش در کنار سایر مجموعه‌های مدیریتی می‌تواند نقش مهمی در پیشرفت شرکت ایفا نماید.

و: مدیر بازرگانی^۵

مدیر بازرگانی و یا به عبارت دیگر، آخرین حلقه از سلسله مدیران شرکت می‌باشد. در اغلب شرکتهای تولیدی، بخش فروش به قسمتی از شرکت واگذار می‌گردد که مسئولیت آن را مدیر بازرگانی و یا مدیر فروش برعهده دارد. وظیفه مدیر بازرگانی، تبلیغ محصولات تولیدی شرکت و فروش آن به بهترین شرایط و سودآوری برای شرکت می‌باشد.

¹ Managing Director

² Director General

³ Financial Manager

⁴ Production Manager

⁵ Commercial Manager

۲-۳. مسئولیت کیفری مدیران

مدیران و مدیرعامل شرکت سهامی در اجرای وظایف مختلف خود در شرکت ممکن است مرتکب اعمالی شوند که در قانون مجازات اسلامی نیز پیش بینی شده است؛ از جمله کلاهبرداری، جعل و سوء استفاده از سند مجعول، و خیانت در امانت. این جرایم تابع مقررات خود خواهند بود. قانون گذار دلیل کافی نبودن مجازاتهای مندرج در قوانین عام جزایی، در لایحه قانونی ۱۳۴۷ جرایم خاصی برای مدیران متخلف پیش بینی کرده است که متضمن مجازات های خاصی نیز هست.

۳-۳. مسئولیت مدنی مدیران

در دو نظام حقوقی معاصر؛ یعنی حقوق رومی- ژرمنی (حقوق موضوعه) و حقوق کامن لا (حقوق عرفی) در تحت عنوان اصول مشارکتی یا راهبری شرکت، وظیفه حسن اداره شرکت را از جمله تعهدات لازم برای مدیران پیش بینی کرده اند. لذا یکی از مهمترین ایراداتی که بر قانون تجارت سابق و اصلاحی ایران وارد است، عدم تصریح به اساسی-ترین و بزرگترین وظیفه مدیران؛ یعنی حسن اداره شرکت می باشد، در حالیکه حقوق فرانسه از این هم فراتر رفته و در مواد ۱۴۹ و ۱۰۰ قانون تجارت، مدیران را مکلف به حفظ اسرار نیز نموده است. قانونگذار ایرانی در تعیین وظایف مدیران صرفا به ذکر جزئیاتی پرداخته که به راحتی می توان از آن صرف نظر کرد، در حالی که در هیچ یک از مواد قانونی اشاره ای به حسن اداره امور و حفظ انتظام عملیات و فعالیت های شرکت نکرده است. لذا برخی برای رفع اشکال معتقدند چاره ای نیست جز اینکه سکوت قانونگذار حمل بر بداهت و وضوح آن شود و ظاهر وظیفه حسن اداره شرکت در نظر مقنن واضح بوده که نیازی به تصریح آن نمی دیده است. اما علی رغم این ادعا، تعهدات مدیران با توجه به پیچیدگی روابط تجاری چنان مبهم شده که رویه قضایی فرانسه، علی رغم وجود نص قانونی مرتبط به وظایف مدیران، طی دو دهه اخیر به تبیین و استنباط وظایف و تکالیف اختصاصی مدیران شرکت سهامی از روح قوانین و قواعد عام پرداخته و منجر به تحولات قانونی در این زمینه شده تا دامنه مسئولیت مدنی مدیران را افزایش و تقویت نماید. ولی در نظام حقوقی ایران به جز برخی موارد پراکنده در قانون بازار بورس اوراق بهادار سال ۱۳۸۴، قانون تجارت و رویه قضایی، تاکنون رویه

مشخصی در خصوص تکالیف و وظایف مدیران در اداره شایسته و مطلوب شرکت ملاحظه نمی‌شود. مدیران در درجه اول به اعتبار شرکت، بیان‌کننده اراده‌ی شخصیت حقوقی بوده و در مقام نمایندگی، تصمیم‌هایی برای شرکت می‌گیرند و در درجه دوم به اعتبار شخصی، افرادی تلقی می‌شوند که فعالیت اجتماعی می‌نمایند. از این رو به اعتبار نخست هر کاری که انجام می‌دهند، منسوب به شخص حقوقی است ولی به اعتبار شخصی، در اعمالی که نیابت بردار نیست، نتیجه کارها دامنگیر خودشان می‌شود که اتلاف و تسبیب از این قبیل است. برعکس در اعمالی که قابل نمایندگی است، مانند انعقاد قرارداد، خود در این میان متعهد نمی‌شوند. انجام تعهد قراردادی آنها بر عهده شرکت است و مسئولیت ناشی از نقض این عهد نیز تابع آن قرار می‌گیرد اما مدیران خود در این خصوص در مقابل شرکت پاسخگو می‌باشند. در بحث قواعد عام مسئولیت مدنی در حقوق ایران قوانین متعددی وجود دارد. مبانی مسئولیت مدنی در قانون مدنی متأثر از حقوق اسلام است ولی پس از قانون مدنی قوانین دیگری از جمله قانون مسئولیت مدنی و قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه با تاثیر گرفتن از قوانین اروپایی به تصویب رسیده و پس از انقلاب نیز مجدداً قوانینی با الهام گرفتن از حقوق اسلامی به تصویب رسیده‌اند. با توجه به توضیحات مذکور بایستی گفت که حقوق مسئولیت مدنی در ایران آمیزه‌ای از حقوق اسلام و اروپاست. در خصوص مبنای مسئولیت مدنی در حقوق ایران خسارات و ضمان مبتنی بر آن، به دو دسته تقسیم می‌گردد. نخست ضمانی است که در آن نیازی به رابطه علیت نیست و به صرف در اختیار داشتن مال دیگری، فرد، ضامن جبران خسارات است. این قسمت را می‌توان به نوعی استثنای بر موضوع ضمان دانست و دوم آنکه ضمانی است که با اثبات رابطه علیت به وجود خواهد آمد.

۳-۳-۱. ضمان غیر مبتنی بر رابطه سببیت

این ضمان در خصوص خساراتی است که رابطه علیت در آن دخالت ندارد و به موجب حکم قانون، بدون رابطه سببیت فردی که مال دیگری را در اختیار داشته باشد و حتی به دلیل قوه قاهره خساراتی به وجود بیاید، باز هم ضامن جبران خسارات خواهد بود. این در صورتی است که ید غاصبانه وجود داشته باشد و صاحب ید در هر حالتی و بدون

هیچ‌گونه معافیت و استثنایی ضامن جبران خساراتی است که در زمان ید غاصبانه او به وجود آمده باشد. فقها از تعبیر «علی الید ما اخذت حتی تؤدی» استفاده می‌نمایند و بدون اثبات رابطه سببیت، فرد ضامن جبران خسارات است. به موجب این قاعده هرکس بدون اجازه بر مال دیگری تسلط پیدا کند، ضامن آن مال محسوب می‌شود هرچند آن مال تلف نشود. بر مبنای این قاعده هرکس بر مال دیگری استیلا یابد، ضامن نقص و تلف آن است و این مسئولیت هم شامل حکم تکلیفی و هم دربرگیرنده حکم وضعی است. پس اگر کسی بر مال دیگری ید پیدا کند، باید زمانی که عین مال موجود است، آن را به صاحبش برگرداند و در صورت تلف شدن مال مزبور باید مثل یا قیمت آن را بدهد. (جبعی العاملی، ۱۴۱۳: ۱۸۹)

۳-۳-۲. ضمان مبتنی بر رابطه سببیت

دسته دوم خسارات، مواردی است که در آن وجود رابطه علیت، برای تعیین ضامن ضروری است. این تقسیم‌بندی همان چیزی است که در حقوق اسلامی، قابلیت انتساب و استناد خوانده می‌شود. در این حالت ما سه رکن در خسارت داریم؛ عنصر زیان، زیان‌دیده و رابطه سببیت. بر این اساس هر کدام از مبانی عنوان شده برای مسئولیت مدنی با تاکید بر یکی از این ارکان مطرح می‌شوند. نظریاتی که غالباً مطرح می‌شوند، عمدتاً مبتنی بر رکن فاعل زیان هستند. بدین معنا که در مواردی تقصیر زیان‌زننده موجب مسئولیت او می‌شود که از آن نظریه تقصیر خارج می‌شود و مواردی که تقصیر او تأثیری در مسئولیت ندارد، نظریه خطر از دل آن خارج می‌شود. با ترکیب این دو نظریه هم، نظریه مختلط خارج می‌شود که در مواردی تقصیر را شرط ضروری برای جبران خسارت می‌داند و در مواردی نمی‌داند. این نظر اگر چه تا حدودی به نظریه ضمان در اسلام نزدیک است، اما در این میان تفاوت‌های مبنایی وجود دارد. چرا که مبنای اروپایی بر رکن زیان‌زننده تأکید دارند، اما در مقابل، مبنای ضمان در اسلام، رابطه سببیت است. اسلام تأکید می‌کند که هر جا ضرری بود باید جبران شود و این-گونه استدلال می‌شود که بر اساس این نظریه که مبتنی بر قاعده «نفی ضرر» در اسلام است، اگر ضرر به صورت مستقیم و مباشرتاً وارد شد، بدون نیاز به اثبات تقصیر و فقط با اثبات رابطه سببیت، مباشر ضامن جبران خسارت خواهد بود و این رابطه سببیت نیز

از طریق عرف و به عبارتی قابلیت استناد و انتساب عرفی ضرر به شخص تعیین می‌شود. که در ذیل بدان‌ها اشاره می‌گردد.

۳-۲-۱. نظریه تقصیر

قدیمی‌ترین نظریه‌ای که در حقوق اروپا در مبنای مسئولیت مدنی دیده می‌شود، نظریه تقصیر است. بر مبنای این نظریه که با تاکید و محوریت فرد زیان‌زننده است، برای اینکه زیان‌دیده بتواند خسارت خود را از کسی بخواهد باید ثابت کند که تقصیر زیان‌رساننده سبب ورود خسارت شده است. مبنای این نظریه بر این اصل استوار است که نمی‌توان فعل شخص خاطی و غیرخاطی را یکسان شمرد و این خلاف عدالت است. در این سیستم زیان‌دیده در صورتی می‌تواند عامل زیان را ملزم به جبران خسارت نماید که بتواند تقصیر او را اثبات نماید. بدین معنا که اگر رفتار عامل زیان خطاکارانه باشد، محکوم به جبران خسارات وارده می‌گردد و الا عمل وی مورد تأیید قرار گرفته و از جبران خسارت معاف خواهد گردید. (راسا، ۱۳۷۵: ۳۹) این نظریه مبتنی بر این باور است که مسئولیت انسان در جایی است که خطایی مرتکب شده باشد. این مبنا تحت تأثیر مبنای مسئولیت کیفری و همچنین آرمان اخلاق‌گرایی است. بدین ترتیب اصل برائت بر اعمال انسان‌ها حکومت می‌کند و برای ایجاد مسئولیت مدنی، شخص زیان‌دیده باید ثابت کند که تقصیر مدعی علیه باعث ورود خسارت شده و بار دلیل اثبات بر دوش زیان‌دیده است. این نظریه که خاستگاه غربی نیز دارد، مبتنی بر این باور است، که مسئولیت انسان در جایی است، که خطایی مرتکب شده است. حتی ادعا شده است که بدیهی‌ترین و عقلانی‌ترین مبنای مسئولیت خطای عامل ورود زیان است. (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۹)

۳-۲-۲. نظریه خطر

تحولات اجتماعی موجب نمایان شدن نظریه «تقصیر» و ناتوانی آن در حل مشکلات حقوقی جامعه و به وجود آمدن نظریه‌های بدون تقصیر شد. این نظریه‌ها علی‌رغم تنوع و تعدد در یک چیز مشترک بودند و آن عدم کفایت نظریه تقصیر در حل مسائل مسئولیت مدنی بود. بدین ترتیب برخی نظریه «خطر» را مطرح کردند که به نظریه «نفی ضرر» که مبنای مسئولیت مدنی در حقوق اسلام است شباهت دارد اما با توجه

به مقدمه‌ای که بیان کردیم، دارای تفاوت‌های ریشه‌ای و بنیادین است. چراکه این نظریه مبتنی بر زیان‌زننده است و نظریه اسلام مبتنی بر خود ضرر می‌باشد. بر مبنای این نظریه، ملاک و معیار مسئولیت، رابطه سببیتی است که بین فعالیت شخص و زیان وارده به دیگری وجود دارد. در این سیستم هر کس که بر اثر عمل خود دیگری را متضرر نماید، مسئول شناخته می‌شود، صرف نظر از اینکه رفتارش مشروع بوده یا نبوده باشد و به عبارتی هرکس مسئول جبران خطرات ناشی از عمل خود می‌باشد. (راسا، ۱۳۷۵، ۴۰) مسئولیت افراد در مقابل خسارات ناشی از اشیاء تحت حفاظت آنان نیز نتیجه همین نظریه است. (Bénabent, 1991, 392)

۳۷۵

۳-۳-۳. نظریه مختلط

نظریه خطر را می‌توان یک نظریه موسع یا عینی (نوعی) دانست. به موجب این نظریه هرکس به فعالیتی بپردازد محیط خطرناکی برای دیگران به وجود می‌آورد و کسی که از این محیط منتفع می‌شود باید زیان‌های ناشی از آن را نیز جبران کند. شعار طرفداران این نظریه این بود که «هر کس سود کاری را می‌برد، باید زیان‌های آن را نیز تحمل کند». در این دیدگاه، آنچه مهم است، درستی یا نادرستی فعلی که باعث ورود ضرر شده نیست، بلکه انتساب ضرر به فعل خوانده است. طرفداران نظریه «خطر»، یکی از پیامدهای مثبت نظر خود را پدیدآوردن هم بستگی اجتماعی و احساس مسئولیت افراد در قبال دیگران به شمار آورده‌اند. این نظریه نیز با گذشت زمان، منتقدانی پیدا کرد. از جمله ایرادات وارد بر این نظر دشواری اثبات رابطه سببیت بود. برخلاف آنچه به نظر می‌رسید، از بین رفتن مفهوم اخلاقی تقصیر، داوری مسئولیت مدنی را آسان‌تر نکرد. اگرچه که خواهان از اثبات تقصیر خواده معاف می‌شود، اما به راه دشوارتری می‌افتد. در بسیاری از موارد به ویژه هنگامی که چندین علت در ماجرا مطرح باشند اثبات رابطه علتیت دشوارتر از تقصیر است. به علاوه اینکه این نظر به صورت جانبدارانه از زیان- دیده حمایت می‌کند و از حال عامل زیان غافل است. (حسینی نژاد، ۲۱: ۱۳۷۰) از آنجا که در نظام حقوقی نظریه تقصیر مورد پذیرش قرار گرفته است درباره نظام حقوقی مسئولیت مدنی مدیران می‌توان گفت مسئولیت آنان ناشی از قانون حاکم بر سازمان حقوقی شرکت است و با توجه به اینکه مدیران و مدیرعامل نمایندگان قانونی شرکت



محسوب می‌شوند، از این رو مسئولیت آنها قانونی و ناشی از نقض تعهداتی است که قانون برای آنان مقرر کرده است. در نتیجه، در نظام حقوقی ایران در دعاوی علیه مدیران، حتماً باید تقصیر اثبات شود و چنانچه به تکلیف خاصی در قانون تصریح نشده باشد وجود عرفی آن و نقض تکلیف باید اثبات شود، چون فقط در موارد خاص مربوط به ورشکستگی، تقصیر مدیران مفروض است در سایر موارد چنین فرضی وجود ندارد مگر اینکه خلاف آن ثابت شود.

۳-۳-۴. ریسک تجارت جهانی به منزله قوه قاهره

کسی که به دیگری زبانی وارد کرده ممکن است برای سلب مسئولیت از خود به دلایل مختلف نظیر دفاع مشروع حکم قانون یا دادگاه اکره و ... استناد کند. گاهی نیز کسی که بظاهر عامل ورود زبان می‌باشد برای رفع مسئولیت از خود به قوه قاهره متوسل می‌شود، یعنی ثابت می‌کند که ورود ضرر بر اثر قوه قاهره بوده است (Brazier 1988: 3) عبارت دیگر ممکن است بر اثر قوه قاهره به کسی زبانی وارد شود یا مال وی تلف گردد. مثلاً شخصی با وسیله نقلیه خود با رعایت تمام نظامات و مقررات و سرعت مطمئنه در حال حرکت بوده و بناگاه کسی خود را جلو وسیله او پرت کرده و بر اثر حادثه از بین رفته است. در این زمینه قانون مدنی و قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ حکم صریحی ندارند و در قانون مدنی فقط در مورد خسارات حاصله از عدم انجام تعهد مقرراتی وضع شده و در صورتی که متعهد بر اثر قوه قاهره نتواند به تعهد خود عمل کند از مسئولیت مبرا می‌گردد (مواد ۲۲۷ و ۲۲۹ قانون مدنی) با وجود این ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی تقصیر را مبنای مسئولیت قرار داده است. لذا می‌توان گفت که اگر بر اثر قوه قاهره به کسی زبانی برسد خواننده مسئول نیست چون در این حالت وی مرتکب تقصیری نشده است. وانگهی از مفاد قوانین مربوط به جبران خسارت ناشی از عدم انجام تعهد نیز می‌توان گفت در مواردی که ورود ضرر بر اثر قوه قاهره باشد کسی که به ظاهر عامل ورود زبان است مسئولیتی ندارد. در بسیاری از موارد ریسک تجارت بین الملل به منزله عامل خارجی محسوب گردید و در این شرایط شرایط قوه قاهره به ذهن متبادر می‌گردد. در باره تأثیر قوه قاهره در مسئولیت غیر قراردادی باید بین دو مورد تفکیک قایل شد: نخست آن است که گاهی قوه قاهره تنها عامل ورود زبان

می‌باشد در این حالت خواننده از مسئولیت معاف می‌گردد زیرا با اثبات قوه قاهره رابطه علیت بین فعل خواننده و زیان وارده از بین می‌رود و نمی‌توان خواننده را مسئول شناخت این حکم هم در موردی اعمال می‌شود که مسئولیت خواننده بموجب قانون مفروض است زیرا در این صورت معلوم می‌گردد که خواننده در ایجاد ضرر دخالت نداشته است (کاتوزیان، ۱۳۶۹: ۲۹۲) و هم در موردی که مسئولیت خواننده مانند مدیران شرکت مبتنی بر تقصیر است با اثبات قوه قاهره از مسئولیت معاف می‌گردد، زیرا در این حالت با اثبات قوه قاهره معلوم می‌گردد که وی مرتکب تقصیری نشده و لذا مسئولیتی ندارد. البته در اینگونه موارد چون معمولاً تعهد شخص یک تعهد به وسیله بوده و متعهد احتیاط و مراقبت لازم را در جهت نیل به نتیجه اعمال می‌کند و حصول نتیجه را تضمین نمی‌نماید نیازی به اثبات قوه قاهره ندارد و مدعی ورود خسارت باید تقصیر و بی‌مبالاتی او را ثابت کند که با دخالت قوه قاهره اثبات تقصیر او امری مشکل خواهد بود (کاتوزیان، ۱۳۷۱: ۲۲۰)

نتیجه گیری

مدیران شرکت‌های تجاری در معاملات بین‌المللی خود با چالش‌های فراوانی مواجه می‌باشند که به این مخاطرات، ریسک‌های تجارت جهانی می‌گویند. همان‌طور که بیان گردید تجارت بین‌الملل منافع بسیار زیادی برای تجار دارد و اگر مدیران بخواهند از این نوع تجارت صرف نظر نموده سودهای بالقوه فراوانی را از دست می‌دهند و اگر هم بخواهند از این منافع محروم نشوند بایستی ریسک کرده و علی‌رغم تمام مخاطرات وارد عرصه تجارت جهانی گردند. عوامل متعددی بر تجارت بین‌الملل سایه افکنده و آن را تحت الشعاع قرار می‌دهند. مهم‌ترین عامل تاثیرگذار اختلافات سیاسی و نظام‌های حقوقی حاکم بر کشورهای متفاوت می‌باشد. مورد مهم دیگر مناقشات بین‌المللی از جمله جنگ میان کشورها می‌باشد که باعث می‌شود طرفین تجارت نتوانند به تعهدات خود عمل نمایند و در نهایت نه تنها سودی کسب نمی‌نمایند بلکه موجب زیان‌دهی طرفین نیز می‌گردد. بیماری‌های واگیر دار نیز به مثابه جنگ عمل نموده و محدودیت‌های ناشی از آن بیماری مانع مهمی در حمل و نقل کالا و نوع تجارت و سایر موارد موثر بر تجارت می‌گردد و از آنجا که این بیماری‌ها ناگهانی بروز می‌یابند بر قراردادهای

از پیش تنظیم شده تاثر بیشتری می‌گذارند و حتی می‌توانند مانع انجام تمام مندرجات قرارداد تجاری گردند. تحریم‌های یک یا چند جانبه بین‌المللی هم بیشترین تاثیر بر تجارت بین‌الملل را دارد زیرا هدف از وضع تحریم، فشار اقتصادی بر کشور هدف تحریم می‌باشد و بالتبع ممنوعیت و یا محدودیت تجارت با کشور تحریم شده وضع می‌گردد که تاثیر بسیار مستقیمی بر تجارت جهانی آن کشور می‌گذارد. مدیران شرکت‌های تجاری در این شرایط بر سر یک دوراهی قرار می‌گیرند، اگر بخواهند به منافع تجارت بین‌المللی و سودآوری شرکت بیاورند چاره‌ای جز پذیرش این ریسک‌ها ندارند و اگر هم این ریسک‌ها را بپذیرند و با شکست مواجه شوند ممکن است خود در برابر سهام‌داران مسئول شناخته شوند که این طرز فکر آنان را به مدیران محتاط تبدیل می‌نماید که همین مسئله نیز موجب ضرر و عدم پیشرفت شرکت می‌گردد. لکن از آنجا که مسئولیت مدیران شرکت مبتنی بر تقصیر می‌باشد و آنان زمانی مسئول شناخته می‌گردند که ثابت گردد مرتکب تعدی و تفریط گردیده‌اند پس اگر مدیران با حسن نیت عمل نموده و تمام احتیاط‌های لازم را انجام داده و جوانب قضیه را سنجیده باشند اما به علت شرایط ریسک تجاری که خارج از کنترل آنان بوده و غیر قابل پیش‌بینی باشد؛ موجب ضرر شرکت گردند مسئولیتی نخواهند داشت.

منابع

ابی صعب، ژرژ (۱۳۷۳)، مفهوم سازمان بین‌المللی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی اسکندریان، غلامرضا، (۱۳۹۹) «ارزیابی پیامدهای ویروس کرونا بر سبک زندگی (با تأکید بر الگوی مصر فرهنگی)» ش ۲، ویژه نامه پیامدهای شیوع ویروس کرونا (کووید) ۱۹، صص ۶۵ - ۸۵. بوستانی، رضا (۱۳۹۲)؛ «اثر تکانه های زودگذر و پایدار بر چرخه های تجاری»، فصلنامه راهبرد اقتصادی، شماره ۶: ۴۱-۵۸.

جبعی‌العاملی، علی بن احمد، (۱۴۱۳ق)، مسالک الافهام، قم: مؤسسه معارف اسلامی. حسینی نژاد، حسینقلی، (۱۳۷۰) مسئولیت مدنی، تهران: جهاد دانشگاهی دانشگاه شهید بهشتی. راسا، میشل - لور، (۱۳۷۵) مسئولیت مدنی، ترجمه محمد اشتری، چاپ اول، تهران: نشر حقوق دان. رضائی، ابراهیم (۱۳۸۹)؛ «بررسی رفتار مصرف و پس انداز در چهارچوب مدل رشد نئوکالسیکی (مطالعه موردی: اقتصاد ایران)، مجله تحقیقات اقتصادی»، شماره ۱۵۲. ۹۲-۱۲۵

شکوهی، مجید، (۱۳۸۱)، حقوق رقابت بازرگانی در اتحادیه اروپا، چاپ اول، تهران، نشر میزان

صالحی امیری، سید رضا (۱۳۹۹)، تحلیل اثرات کرونا بر سبک زندگی، اعتماد، ش ۴۶۵۳، خرداد.
 کاتوزیان، ناصر (۱۳۶۹) حقوق مدنی ضمان قهری و مسئولیت مدنی چاپ دوم، انتشارات دانشگاه تهران
 کاتوزیان ناصر (۱۳۷۱) حقوق مدنی قواعد عمومی قراردادها جلد دوم، چاپ سوم، انتشارات شرکت
 انتشار با همکاری بهمن برنا
 کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۹) وقایع حقوقی، تهران: انتشارات دادگستر.
 فدایی واحد، میثم و عزیزی نازنین، (۱۳۹۷) ، مدل‌های کمی در مدیریت ریسک، انتشارات بورس
 فنواتی، جلیل (۱۳۹۹) مطالعه تطبیقی کروناویروس (کووید ۱۹) بر تعهدات حقوق اسلامی ، س ۱۷ ، ش
 ۶۴ ، صص ۱ - ۴۶.

مشیری، سعید و نادعلی، (۱۳۹۲) محمد شناسایی عوامل مؤثر در بروز بحران بانکی در اقتصاد ایران،
 فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی ش ۱۳

موسی زاده ، رضا (تابستان ۱۳۹۴) ، سازمانهای بین المللی ، چاپ بیست و سوم ، تهران ، انتشارات میزان
 Asiedu, K. M. (2013). Trade Liberalization and Growth: The Ghanaian
 Experience. Journal of Economics and Sustainable Development. Vol. 4.
 No. 5. www.iiste.org

Baltaji, B.H. (2005). Econometric Analysis of Panel Data. Third Edition, UK,
 John Wiley & Sons

Beckwith, C. (2011). Empires of the Silk Road: A History of Central Eurasia
 from the Bronze Age to the Present. Princeton: University Press. ISBN
 978-0-691-15034-5.

Benabent Alain droit civil Paris Montchrestien 1991

Brave, S.A, & Andrew Butters, R. (2011). Monitoring Financial Stability: A
 Financial Conditions Index Approach, Economic Perspectives, 35(1), 22-
 43.

Daoudi, M. S., and Dajani, M. S. (1983). Economic sanctions: ideal and
 experience. Boston: Routledge & Kegan Paul, 8

Sen, Gautam (2003). "The United States and the GATT/WTO System", US
 Hegemony and International Organization, Rosemary Foot, S. Neil
 MacFarlane, & Michael Mastanduno (eds.), Oxford: Oxford University
 Press.

Siobhán, D. (2020). Majority of the world's population depends on imported
 food. European Scientist.

Margaret Brazeir Streets on torts 8 edition 1988

Miyagawa, Makio (1992). Do economic sanctions work?. New York: St.
 Martins Press

Paul Bairoch and Richard Kozul – Wright, "Globalization Myths: Some
 historical Reflections on Integration,

Wallerstein, Immanuel (2004). "U.S. Weakness and the Struggle for
 Hegemony", Pox Americana: Exposing the American Empire, John
 Bellamy Foster & Robert W. McChesney (eds.), London: Pluto.

